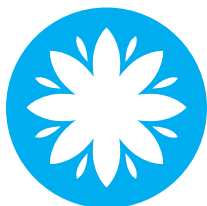




درس گفتارهایی در
اندیشه یاری‌گری

معصومیت و تجربه

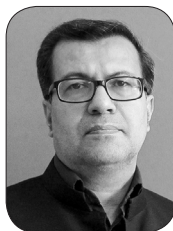
متن گفتار حمیدرضا شاه‌آبادی
در نشست «یاری‌گری در ادبیات کودک»



درنگ ششم

معصومیت و تجربه

سلسله نشست های امداد و اخلاق
درس گفتار «یاری‌گری در ادبیات کودک»



حمیدرضا شاه‌آبادی

پژوهشگر تاریخ، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس

■ متولد:

۱۳۴۶-

■ تحصیلات:

- کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تبریز

■ توضیحات:

- مدیر سابق انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

- مدیر سابق مؤسسه نشر بین‌المللی الهدی

- دبیر علمی هشتمین دوره‌ی جشنواره کتاب برتر در سال ۱۳۹۴

■ کتاب‌ها:

- افسانه تیرانداز جوان (کتاب برگزیده کتابخانه بین‌المللی مونیخ)

- هیچ‌کس جرئتش را ندارد (جایزه‌ی اول جشنواره‌ی کتاب کودک و نوجوان)

- دیپلماج (برنده جایزه شهید غنی‌پور)

- وقتی مژگی گم شد (جایزه‌ی اول جشنواره رشد)

تیرماه ۱۴۰۰



« در تخیل کودک، ستاره به او چشمک می‌زند

کودک خودش را مرکز جهان می‌پندارد و تصوّر می‌کند دنیا برای او شکل گرفته است. به همین دلیل رابطه‌ی مهربانانه‌ای با جهان دارد.

« معصومیت کودک در مواجهه با علم و تجربه

رنگ می‌بازد

چه در ادبیات و چه آموزش و پرورش، وظیفه اصلی، حفظ و نظام‌مند کردن این معصومیت است. به شکلی که در عین حفظ معصومیت، منافع خودش را هم از دست ندهد و دگرخواه هم باشد.

« ادبیات، کودکی را حفظ می‌کند

در آثار ادبی تولید شده برای کودکان، چه به عنوان مخاطب و چه در موضع موضوع، هدف حفظ کودکی است. از آنجائی که در ذات کودکی دیگرخواهی وجود دارد، حفظ کودکی (یاری‌گری) را هم حفظ خواهد کرد.

« نجاتِ معصومیتِ کودکان بحران زده

کودک در مواجهه با تجربه هایی مانند فقر، بدسرپرستی، بلایای طبیعی و... کم کم معصومیتش را از دست می دهد.

« خشونت طبیعت و فروپاشی دیوارهای

انسانیت و عطفوت

وقتی ویرانی طبیعت روی رفتار بازماندگان تأثیر منفی می گذارد، نیاز یاری گری به کودکان در قالب بازی و فعالیت های فرهنگی بیشتر حس می شود. باید مراقب کودکان در مواجهه با تجربه های خشن و لگام گسیخته باشیم و برای حفظ معصومیت آنها برنامه داشته باشیم.

« خداوند به معصومیت احترام می گذارد

در داستان موسی و شبان، ذات الهی می خواهد معصومیت نظام مند شبان را شکل دهد و در مواجهه با تجربه از آن حمایت کند. به این شکل که از ارتباط با خدا فراری نشود.

مقدمه گفتار

برای پرداختن به مسئله‌ی یاری‌گری در ادبیات کودک، ابتدا باید شیوه ارتباط با کودکان و آموزش و پرورش آنها را بررسی کنیم که بتوانیم با آنها گفتگو کنیم. برای بررسی این موضوع درک تفاوت ماهوی بزرگسال و کودک ضروری است. با درک این موضوع، ارتباط با کودکان و انتقال مفاهیم مهمی مانند (یاری‌گری) به آنها آسان‌تر خواهد بود.

فراموش کردن تفاوت ماهوی کودک و بزرگسال، یک آفت و دام بزرگ برای برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی یاری‌گری به کودکان است. ما باید معصومیت کودکان را نظام‌مند کنیم که کودک در مواجهه با تجربیات زیسته، آنها را درک و هضم کند و از هم نپاشد. در دل چنین معصومیتی یاری‌گری وجود دارد. هم چنین باید نوعی از ادبیات کودک را به عنوان واسطه برای ارتباط با کودکان تولید و استفاده کنیم که با حفظ نظام‌مند این معصومیت، یاری‌گری را هم زنده نگه دارد.



کودک بزرگسالِ رشد نیافته نیست

در ذهن بسیاری از ما مفهوم کودک، «بزرگسالِ رشد نیافته» است. ما کودکان را انسان‌های کم سن و سال، با جثه‌ی ضعیف‌تر، تجربه و فهم و درک کمتر تصور می‌کنیم. با این مبنا، گمان می‌کنیم هر موضوعی که برای بزرگسالان مطرح می‌کنیم به شکل کوچک‌تر، ساده‌تر و خلاصه‌تر، قابل طرح برای کودکان است.

برای مثال، زمانی که به عکس‌های دوران قاجار نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بزرگسال و کودک دقیقاً لباس‌های رسمی (کت و شلوار و کلاه) مشابه پوشیده‌اند؛ با سائزهای متفاوت. حتی عکس‌های زیادی از کودکان دوران قاجار وجود دارد که لباس‌های نظامی تن‌شان است و در تاریخ آمده: «در قشون ایران دوره‌ی قاجار، سرتیپ‌های پانزده ساله وجود داشته‌است.» در فرهنگ سایر کشورها نیز این موضوع دیده می‌شود: مثلاً در نقاشی‌هایی از پرتوی کودکان از ولاسکوئیز، نقاش معروف اسپانیایی قرن پانزدهم، پُزهای بزرگسالانه و نگاه‌های جدی دیده می‌شود. به‌طور کلی در دوران ما قبل مدرن، مثلاً در نقاشی‌های کلیسایی، کودکان حتی با عضلات و اندام بزرگسالانه ولی در اندازه‌های کوچک‌تر ترسیم شده‌اند. همه‌ی این



مثال‌ها برمی‌گردد به عدم درک صحیح از مفهوم کودکی در این دوران. اما در دوران معاصر، لباس مخصوص کودکان ماهیتاً با لباس بزرگسالان متفاوت است. با این‌که امروز تفاوت ماهوی کودک و بزرگسال در حوزه‌ی لباس پذیرفته شده، در بسیاری از بخش‌های دیگر هنوز این تفاوت پذیرفته نشده است. متأسفانه اصلی‌ترین تجلی این نگرش در ادبیات دیده می‌شود؛ بسیاری از متون کلاسیک ادبی برای کودکان بازنویسی می‌شوند، بدون این‌که بررسی کنیم موضوع آن‌ها برای کودکان مناسب است یا نه. برای مثال متن منظوم بوستان سعدی را به نثر درآورده، کلمات سخت را جایگزین و روایتی داستانی به آن اضافه می‌کنند و در قالب کتاب کودک منتشر می‌کنند؛ بدون توجه به این‌که این مضمون برای کودکان مناسب است یا خیر.

شور معصومانه جوانی و تجربه مندی میانسالی

برای توضیح و تفسیر مسئله‌ی (یاری‌گری) به کودکان هم باید تفاوت ماهوی کودک و بزرگسال را در نظر داشت؛ این تفاوت‌ها کمتی نیستند بلکه کیفیت متفاوتی دارند. دنیا، نگرش و فهم کودکان کاملاً از بزرگسالان جداست. اما چگونه باید با این تفاوت‌ها برخورد کرد؟ آیا باید کودکان را از ضلالت و نادانی بیرون آورد و این تفاوت‌ها را از بین برد یا کودکان را کودک نگه داشت؟ پاک‌ی، مهربانی، علاقه به دیگری و نوع دوستی به شکل طبیعی در ضمیر کودکان وجود دارد. کودکان به‌طور ذاتی خوراکی و اسباب بازی مورد علاقه‌ی خود را به دیگران می‌دهند که ضمن ابراز محبت، تجربیات خود از داشته‌ها و لذت‌هایشان با آن‌ها شریک شوند. اما این ویژگی به مرور دچار تغییر می‌شود.



ما از یک طرف مدام آرزو می‌کنیم به دنیای پاک و معصوم کودکی برگردیم و دنیا از فساد بزرگسالان خالی شود و از طرف دیگر در بحث با دیگران، برای اشاره به نادانی و تحقیر، آن‌ها را (کودک) خطاب می‌کنیم. تکلیف ما چیست؟ در این تناقض ما با دو مفهوم اصلی مواجه ایم: معصومیت و تجربه. برای اولین بار شاعر انگلیسی اواخر قرن هجدهم، ویلیام بلیک به این موضوع اشاره کرد. این شاعر دو مجموعه شعر با عناوین (ترانه‌های معصومیت) و (ترانه‌های تجربه) دارد. او اولین مجموعه شعرش را به دوران جوانی و شور معصومانه‌اش نسبت می‌دهد و دو می‌را به میان‌سالگی و تجربه‌مندی. بلیک این مسئله را مطرح می‌کند که ما در آغاز زندگی خودمان با نوعی معصومیت مواجه ایم. می‌توان این نگاه بکر را فطرت نامید.

طبق نظریه‌ی رشد (ژان پیاژه)، روانشناس سوئیسی، با گذشت زمان، این معصومیت در مواجهه با عوامل بیرونی مانند علم آرام آرام تغییر می‌کند. کودک خودش را مرکز جهان می‌پندارد و تصور می‌کند دنیا برای او شکل گرفته است؛ به همین دلیل رابطه‌ی مهربانانه‌ای با جهان دارد. مثلاً در تخیل کودک، ستاره به او چشمک می‌زند ولی وقتی بزرگ‌تر می‌شود و با مفاهیم علمی آشنا می‌شود، می‌فهمد که ستاره یک جرم آسمانی است که نور سیارات و ستاره‌های دیگر را منعکس می‌کند. هم‌چنین با آشنایی و درک مفهوم مالکیت توسط والدینش، دیگر خوراکی‌اش را با دوستش قسمت نمی‌کند.



محافظة از معصومیت در مواجهه با علم و تجربه

معصومیت کودک در مواجهه با علم و تجربه کم‌کم رنگ می‌بازد. مرتضی خسرونیژاد، استاد فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز، در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت کودکی و هدف ادبیات کودک» و کتابی با نام «معصومیت و تجربه» به خوبی به این مسئله پرداخته است. پس زمانی که می‌خواهیم با کودک گفت‌وگو کنیم باید به این نکته توجه کنیم که می‌خواهیم با معصومیت او - با توجه به تجربه‌ای که در آینده کسب می‌کند - چه برخوردی داشته باشیم. از این منظر می‌توانیم به مواجهه‌ی کودک با مسئله‌ی «یاری‌گری» پردازیم. اولین نکته این است که ما باید این معصومیت را حفظ کنیم. در عین حال می‌دانیم که این کودک قرار است بزرگ شود و در جامعه در مواجهه با تجربیات مختلف، گلیم خودش را از آب بیرون بکشد.

ما نمی‌توانیم کودک را با آن معصومیت بکرو ناب در جامعه‌ای رها کنیم که پر است از رفتارهای غیرمعصومانه. بلیک معتقد است باید این معصومیت را نظام‌مند کرد؛ به این شیوه که آرام آرام تبدیل شود به یک رفتار صحیح و منطقی که بر پایه‌ی معصومیت شکل گرفته است. یعنی فرد در عین حفظ معصومیت، منافع خودش را هم از دست ندهد و دگرخواه هم باشد. فرد باید این توانایی را داشته باشد که با حفظ معصومیت، خودش را در برابر هجوم دیگران حفظ کند.



برای مثال داستان (موسی و شبان) را در نظر بگیرید: وقتی یک شبان با خدا حرف می‌زند، تفسیر او از خدا، بر پایه‌ی معصومیت خودش است. موسی (البته در روایت داستانی، نه روایت دینی) این مکالمه را می‌شنود و شبان را سرزنش می‌کند که چرا این‌گونه با خدا حرف می‌زند. در واقع تجربه‌ی موسی در مواجهه با معصومیت شبان قرار می‌گیرد. شبان از این ملامت، پشیمان و پشیمان می‌شود. ناگهان ذات الهی با موسی گفت‌وگو می‌کند: «شبان را در انتخاب نوع کلمات و نیایشش راحت بگذار و کم‌کم راه درست گفت‌وگو با ما را به او آموزش بده.» در واقع ذات الهی می‌خواهد معصومیت نظام‌مند را شکل دهد؛ به این شکل که شبان نگاه معصومانه‌ی خود را به خداوند حفظ کند و از ارتباط با خدا فراری نشود. پس خداوند به این معصومیت احترام می‌گذارد و در مواجهه با تجربه، از آن حمایت می‌کند.

کودکان ذاتاً دگرخواه و یاری‌گرند

در مبحث آموزش کودکان - چه در آموزش و پرورش، چه در ادبیات- فلسفه‌ی اصلی ما حفظ و نظام‌مند کردن این معصومیت است. روانشناس امریکایی، آبراهام مزلوهم در توصیف هرم نیازهای بشری می‌گوید: «پس از رفع نیازهای اولیه، در راه رسیدن به رأس هرم، همراه با شکوفایی شخصیت، معصومیت ثانویه شکل می‌گیرد.» معصومیت ثانویه، پاک‌ی و نگرش‌های دیگرخواهی را دارد و در عین حال دارای منطق، هدف‌مندی، رفتار علمی و عاقلانه است. در مسئله‌ی (یاری‌گری) کودکان ذاتاً دگرخواه و یاری‌گر هستند و وظیفه‌ی ما این است که این دیگرخواهی را در آن‌ها حفظ و تقویت کنیم تا جایی که در بزرگسالی هم دگرخواه و یاری‌گر هم منطقی و عاقل باشد.



نجات معصومیت کودکان بحران زده

اگر به کودکان کمک کنیم که معصومیت اولیه‌ی خود را حفظ کنند، به امریاری‌گری کمک کرده‌ایم. در جوامع شهری و روستایی در حالت عادی، این رفتار باید به‌عنوان یک رفتار پیشگیرانه و نظام‌مند برای همه‌ی کودکان انجام شود. اما در مواردی کودکان به‌واسطه‌ی مواجهه با تجربه، دچار بحران شده‌اند؛ مثلاً کودک فقیری که از سن کم وارد بازار کار و مناسبات بزرگسالانه و بی‌رحم می‌شود، ناگزیر است به از دست دادن معصومیتش برای حفظ بقا. کودک بدسرپرست در مواجهه با تجربیات بدش در خانواده، معصومیتش را از دست می‌دهد. کودکی که در شرایط سخت اجتماعی، مانند بلایای طبیعی، تجربه‌ی خودش را به شکلی بی‌رحمانه در برابر معصومیت او قرار می‌دهد.



در چنین مواردی، اصلی‌ترین وظیفه‌ی ما نجات دادن کودک و معصومیتش از چنین شرایط ناگواری است؛ چه کودکان فقیرکار، چه کودکان بدسرپرست و چه کودکانی که دچار حوادث و بلایای طبیعی شده‌اند. ما باید برای مواجهه با چنین موقعیت‌هایی آمادگی و برنامه‌ریزی داشته باشیم. در زلزله‌ی سال ۷۶ قائنات، من همراه یکی از دوستانم به روستاهای زلزله‌زده سفر کردیم. ابتدا کمک‌های پراکنده‌ای به مردم می‌کردیم؛ از رساندن آب و غذا به مردم تا بیرون کشیدن جنازه‌ها از زیر آوار و دفن آنها. بعد توجه‌مان به کودکانی جلب شد که خانواده‌شان را در زلزله از دست داده و تنها و آواره شده بودند.

با از راه رسیدن نیروهای هلال احمر و سایر نیروهای امدادی به این نتیجه رسیدیم که بهتر است تمرکز خودمان را بگذاریم روی کمک به این کودکان. روز اول من تعدادی از این کودکان را جمع کردم و با بازی و شعرخوانی سرشان را گرم کردم. **شب توی چادری استراحت کردم و صبح با صدای شعرخوانی بچه‌ها بیرون از چادرم بیدار شدم. منتظر بودند که از چادری بیرون بیایم و با آنها بازی کنم. متوجه شدم وظیفه‌ی من همین است.** با دوستم به نزدیک‌ترین مرکزکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در شهرقائن رفتیم و برای این کودکان تعدادی کتاب، وسایل نقاشی و بازی فکری خریدیم. برگشتیم و مشغول شدیم به بازی، داستان‌خوانی و نقاشی کشیدن همراه این کودکان. قرار بود دوسه روز آن‌جا باشیم و کمک کنیم ولی پانزده روز ماندیم و در این مدت چند مرکز بازی، آموزش و سرگرمی برای کودکان این چند روستا از جمله آردکول و آبی‌راه‌اندازی کردیم و مسئولانی برای آن‌ها مشخص کردیم.

فَعَالِيَّتْ هَاي فَرَهَنگِي يَارِي گَرَانَه بَرَاي كُودَكَانِ اَسِيْبِ دِيْدَه

بعد با اتومبیل بین روستاها می‌گشتیم و فقط به کودکان رسیدگی می‌کردیم. در این موقعیت با تمام وجود درک کردیم که چقدر این مسئله‌ی یاری‌گری به کودکان در چنین شرایطی مهم و حیاتی است. به نظر می‌رسید همراه با ویرانی دیوارهای خانه‌ها، برخی دیوارهای انسانیت و عطفوت هم بین آدم‌ها از بین رفته‌است. انگار خشونت و ویرانی طبیعت روی رفتار بازماندگان تأثیر منفی گذاشته‌بود. در چنین شرایطی که معصومیت این کودکان در برابر چهره‌ی خشنی از تجربه و واقعیت زندگی قرار گرفته‌بود، نیاز یاری‌گری به کودکان در قالب بازی، آموزش و فعالیت‌های فرهنگی بیشتر حس می‌شد. خوشحالم که فعالیت‌های ما در آن سال تبدیل شد به یک فعالیت مداوم و نظام‌مند در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که امروز در قالب گروهی آموزش دیده با عنوان (پیک امید) برای مواجهه با چنین شرایطی، با تمام وجود آماده‌ی خدمت به کودکان هستند.

بدترین موقعیت برای ما زمانی است که زندگی مان از حالت معمول خارج می‌شود. زمانی که کودک در مواجهه با تجربه‌ای خشن و لگام‌گسیخته قرار می‌گیرد - مانند کودکانی که در حوادث و بلایای طبیعی گرفتار شده‌اند، کودکان فقیر، بدسرپرست و کودکان کار- باید به آن‌ها کمک کنیم و مراقب حفظ معصومیت آن‌ها باشیم.

■ السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



پرسش و پاسخ

« شما درسه موضع مسئله‌ی «یاری‌گری» را در رابطه با کودکان بررسی کردید: اولاً غنی کردن، بسط دادن و نظام‌مندی معصومیت کودکان به واسطه‌ی ادبیات، دوماً تسکین کودکان آسیب‌دیده به کمک ادبیات و سوماً مسئله‌ی یاری‌گری بزرگسالان به کودکان در شرایط عادی و بلایای طبیعی. آیا نمونه‌ای در ادبیات کودک و نوجوان داریم که اراده‌اش معطوف باشد به نظام‌مند کردن معصومیت کودکان، با این هدف که کودک «یاری‌گر» شود؟

« شاه‌آبادی: کودکان در مواجهه با ادبیات دو نوع موضع دارند: مخاطب و موضوع. اما در هر دو صورت، هدف، حفظِ کودکی است. بنابراین در تمام آثار ادبی تولید شده برای کودکان این هدف به نوعی وجود دارد. از آن جایی که در ذاتِ کودکی دیگرخواهی وجود دارد، حفظِ کودکی، «یاری‌گری» را هم حفظ خواهد کرد.

« با توجه به اشاره‌ی شما به وجهِ تسکین‌بخشیِ ادبیات هنگام وقوع بحران، آیا قالب و ژانری در ادبیات کودکان داریم که صرفاً به جنبه‌ی تسکین‌بخشی در شرایط بحران پردازد؟ در ادبیات بزرگسال می‌توان به اشعار مولانا (کلاسیک) و اشعار سهراب سپهری (معاصر) اشاره کرد.

« شاه‌آبادی: من ذاتِ ادبیات را تسکین‌بخش می‌دانم. تسکین‌بخشی در این حوزه، امری نسبی است. با توجه به نوع نگاه مخاطب به جهان، نویسنده یا شاعری که از ناامیدی و سیاهی حرف می‌زند هم می‌تواند در قالب همدلی و همدردی به مخاطب تسکین ببخشد. از طرف دیگر،



لذت خواندن متن ادبی با لذت کشف و شهود همراه می شود و باعث تسکین مخاطب می شود.

در حوزه ی ادبیات کودک، داستان های سرگرم کننده و پرفروش مانند موسیقی پاپ هستند؛ ما اصطلاح موزیسین را برای خواننده ی موسیقی پاپ به کار نمی بریم و او را (Entertainer) یا سرگرم کننده می دانیم. یعنی موسیقی پاپ در رده ی سرگرمی طبقه بندی می شود، نه در رده ی هنر. در ادبیات داستانی هم این موضوع را می بینیم و باید توجه داشته باشیم که وجود سرگرمی در ادبیات جزو ضروریات است؛ به خصوص در ادبیات کودک. معمولاً ذات شادی و آرامش در ادبیات کودک وجود دارد. ما خیلی صلاح نمی دانیم با کودک برخورد عریان و بی رحمانه در ادبیات داشته باشیم؛ حتی آثار جدی و در ظاهر عبوس این حوزه، رگه های طنز، بازی و ماجراجویی دارند. پس می توان گفت بخش اعظم ادبیات کودک (در قالب سرگرمی یا هنر) دارای وجه تسکین دهنده هستند.



زمان اندیشه‌ورزی است درنگ کنیم و نیک بنگریم ...

امداد و یاری‌گری قبل از هر اقدامی به تفکر و تأمل نیاز دارد. **چیستی، چرایی و چگونگی** آنچه در میدان عمل برای کمک به نوع بشر انجام داده‌ایم یا می‌خواهیم انجام دهیم پرسش‌های مهمی هستند که باید با دقت به آنها بیاندیشیم. درنگ در مسائل انسان، نیازها و رفتارهای او و نیک نگریستن به آنچه در قالب خدمات داوطلبانه بشردوستانه مشغول آن هستیم مسیر تحقق اندیشه‌ورزی در باب یاری‌گری است برای رسیدن به پاسخ این چیستی‌ها، چراها و چگونگی‌ها. امروز بیش از پیش ضرورت اندیشه‌ورزی نمایان شده است. انسان، به عنوان موضوع و مخاطب فعالیت‌های هلال احمری موجودی است پیچیده و حوزه علوم انسانی با زیرشاخه‌های متنوع‌اش دانش مطالعه این پیچیدگی‌های انسانی در بافت جامعه است. معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه پس از مطالعه و بررسی روندهای جاری جمعیت، **ژرف‌اندیشی انسان‌شناسانه از دریچه علوم انسانی** را یکی از مسائل مهم امروز جمعیت می‌داند که کمتر به آن توجه شده است. برگزاری نشست‌های علمی-تخصصی، گام نخست است که برای تحقق این هدف به همت همکاران جمعیت و مشارکت اندیشمندان حوزه‌های مختلف برداشته شده است. مجموعه درنگ، متن سخنرانی‌های این نشست‌ها در قالب درس‌گفتار است.



برای دسترسی به
فایل صوتی
فیلم و عکس‌های
این نشست،
رمز تصویری
را با موبایل تان
اسکن کنید.



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه